

گرایش کارمندان به فساد اداری

(تأثیر دینداری بر گرایش به فساد اداری در میان کارمندان دولتی شهر هرات در سال ۱۳۹۴)

نویسنده: پوهنیار علی احمد کاوه
و سکینه محمدی

چکیده

این تحقیق، در نظر دارد به این سوال اساسی پاسخ دهد که به چه میزان دینداری در کاهش گرایش به فساد اداری در میان کارمندان مؤثر است. باتوجه به سوال تحقیق در بخش چارچوب نظری از نظریات متناسب با دینداری از جمله نظریه‌های دینی دورکیم، عرفی شدن دین و انتخاب عقلانی و همچنین نظریه متناسب بزهکاری، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی بهره گرفته شده است. در بخش تجربی، جمعیت مورد مطالعه را تمام کارمندان دولتی شهر هرات در سال ۱۳۹۴ تشکیل می‌دهد که تعداد کل آنها ۸۰۸۰ تن است و توسط روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌یی تصادفی ساده مطالعه شده‌اند. از مهمترین فرضیات این تحقیق شامل تأثیر رابطه شش بُعد دینداری: بعد اعتقادی، مناسکی، تعهد دینی، گزینش‌گری دینی، خصوصی‌گرایی دینی و تکثرگرایی دینی در کاهش گرایش کارمندان به فساد اداری می‌باشد که باتوجه به سوالات تحقیق طراحی شده است. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش پیمایشی می‌باشد. از مشاهدات تجربی به دست آمده که تنها ابعاد مناسکی و تعهد دینی تأثیر منفی بر گرایش به فساد اداری دارد و متباقی ابعاد تأثیر مثبت داشته‌اند. در کل تحقیق

نشان داده است که مذهب می‌تواند بر گرایش کارمندان به فساد اداری تأثیر بگذارد و نیاز به برخورد و تنبیه‌های قهرآمیز را با توجه به عوارض نامطلوب آن تا حدی کاهش دهد. در ختم با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاداتی نیز بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: دینداری، اعتقادات دینی، مناسک دینی، تعهد دینی، گزینش گری دینی، خصوصی‌گرایی دینی، تکررگرایی دینی، فساد اداری، کارمندان دولتی.

بیان مسأله

فساد اداری به عنوان پدیده‌ی عام و جهانی در تمام جوامع رسوخ نموده و هر روز به شکل‌های متنوعی خود را بر ما تحمیل می‌نماید. حتی گاهی اوقات چنین در نظر گرفته می‌شود کسانی که خود مرتکب چنین رفتارهایی می‌شوند در نهایت قربانی شرایطی هستند که آن‌ها را احاطه نموده و آنان را در کمند خود گرفتار نموده است. مهمترین مسایلی که می‌توانند به عنوان زمینه‌ساز رفتارهای آمیخته با فساد تلقی شوند عبارتند از: تنگناهای اقتصادی، کمرنگ شدن ارزشهای اخلاقی و مذهبی، تشدید قوانین و مقررات غیرضروری و گسترش روحیه زیاده‌خواهی افراد (که باعث می‌شود سایرین را نیز وادار به داخل شدن در بازی نمایند)، الگوهای فرهنگی رایج در جامعه و حاکم بر روابط میان افراد، ساختارهای سازمانی و فرایندهای سیاسی ناسالم، محدودیت منابع و امثال این مسایل. موارد یاد شده ابعاد فساد اداری را گسترش می‌دهند و در مقابل براساس نوع، شکل و میزان گسترده‌گی آن پیامدهای وخیمی را در جامعه سبب میشوند (گیوریان، ۱۳۹۱). به صورت کل فساد اداری موجب انحطاط جامعه است. سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع عام قرار می‌دهد. باعث به هدر رفتن منابع ملی می‌شود و به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش یافته، بی‌اعتنایی، تنبلی و بی‌کفایتی را افزایش می‌دهد. باعث افزایش میزان جرایم در سطح جامعه می‌شود. فساد اداری اعتقاد و ارزشهای اخلاقی جامعه را متزلزل می‌کند، هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد و رشد رقابت‌پذیری را دشوار می‌سازد. بی‌انگیزگی و بدبینی ایجاد می‌کند و زمینه تضعیف روحیه افراد درست کار را فراهم می‌آورد. همچنین تلاش‌های فقرزدایی را ناکام می‌سازد. فساد مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و مسیر رشد و توسعه اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد و از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل‌الوصول زمینه رکود را در تمام ابعاد اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌سازد و ریشه‌های آن هر روز عمیق‌تر در بطن جامعه نفوذ

می‌کند. فساد اداری مترادف با عقب‌مانده گی نیز استفاده می‌شود (سولووان و شیکولنیکوف، ۱۳۸۳). افغانستان یکی از کشورهایی است که بیشترین فساد در آن رواج داشته و این پدیده به یکی از چالش‌های بزرگ در کشور تبدیل گردیده است. سازمان «نگاه شفافیت بین‌المللی» یک نهاد بین‌المللی است که در گزارش سالانه خود وضعیت کشورهای مختلف را در زمینه فساد اداری بررسی می‌کند و میزان گسترش فساد اداری را در این کشورها ارائه می‌نماید. طبق این گزارش افغانستان در این خصوص پیشتاز است و در بین سه آلوده ترین کشور دنیا قرار دارد.

براساس گزارش دو سال پیش این اداره (۲۰۱۳)، افغانستان با ۴ درجه نزول و با کسب نمره ۵/۱ فاسدترین کشور دنیا از نظر اداری و اقتصادی معرفی شده است و در میان ۵ کشوری که بیشترین فساد اداری و مالی را دارند مقام اول را دارد. در دو سال گذشته افغانستان با کسب نمره ۸/۱ در مکان ۱۷۲ جدول رده‌بندی قرار داشت؛ اما در گزارش سال گذشته این سازمان با کسب نمره ۵/۱ و ۴ پله نزول به مکان ۱۷۶ این جدول رسیده است. موقعیت پایین‌تر در این جدول نشان‌دهنده فساد بیشتر در اداره و اقتصاد یک کشور به شمار می‌رود و شاخص نمره عددی بین ۱ تا ۱۰ می‌باشد. تاکنون دیده نشده بود که کشوری نمره ۱ را گرفته باشد. لذا افغانستان از فاسدترین کشورهای دنیا به شمار می‌رود (میرزاد، ۱۳۹۰).

هر جامعه‌ی دارای افکار و عقاید و باورهای خاصی است که با توجه به آن احساسات و علائقی مورد پسند قرار می‌گیرند و هم رفتارهای خاصی مورد طرد، که قواعد و معیارهای تعیین‌کننده آن را هنجارهای اجتماعی می‌گویند. دینهای آسمانی نیز به عنوان نظامی از سوی خداوند معیارهایی برای احساسات، اندیشه و عمل دارد. هنجارهای دینی اگر چه در جامعه‌ی که اکثریت آنان را دینداران تشکیل می‌دهند تا اندازه زیادی با هنجارهای اجتماعی مطابقت دارد و تخلف از آن انحراف اجتماعی تلقی می‌شود؛ ولی لزوماً هر هنجار دینی معیار قابل قبول جامعه و هنجار اجتماعی محسوب نمی‌شود و ممکن است هنجارهایی در این زمینه وجود داشته باشد که مورد غفلت و فراموشی قرار بگیرد و مانند فساد اداری به گونه‌ی جزئی از رفتار روزمره افراد محسوب شود. دین و دینداری یکی از عوامل مؤثر بر فساد اداری شناخته شده که نقاط ضعف آن، بروز و اشاعه فساد اداری، و اصلاح آن می‌تواند کاهش و مهار فساد اداری را به دنبال داشته باشد و بسیاری از صاحب‌نظران به بررسی کم و کیف این عامل و ابعاد آن پرداخته‌اند. بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند که «... تقویت بنیان مذهبی و

دینی همواره به عنوان راهکارهایی برای مقابله و کاهش فساد اداری مطرح شده است (جوادی یگانه، ۱۳۸۴).

با در نظر داشت این واقعیت‌ها که فساد اداری امریست فراگیر، زیانبار و قابل کنترل و همچنین اهمیت دین در مقابله با انحرافات اجتماعی در این پژوهش به دنبال بررسی نقش دینداری در کنترل فساد اداری در شهر هرات (شهری که از حد بالایی از دینداری برخوردار است) هستیم و سؤال بنیادین ما این است که آیا تفاوت در دینداری افراد باعث تفاوت در گرایش به فساد اداری در آنان خواهد شد؟

چارچوب نظری

نظریه پیوند اجتماعی: اگرچه تئوری پیوند اجتماعی هیرشی مذهب را کانون اصلی بحث خود قرار نداده، چارچوبی دقیق در تبیین تأثیر دین در بزهکاری است. شرکت در فعالیت‌های دینی، مثل حضور در اماکن مذهبی و وابسته‌گی به گروه‌های دینی، موجب بهره بردن از زمانی می‌شود که در غیر این صورت ممکن بود صرف رفتارهای بزهکاری شود. باور به اعتبار افزایش سخت‌گیری در قوانین به وسیله دین موجب کاهش رفتارهای انحرافی می‌شود؛ زیرا بسیاری از ادیان محکومیت‌های شدیدی در قبال رفتارهای انحرافی، در مقایسه با جوامع غیر مذهبی، دارند. افرادی که به نهادهای دینی پیوند خورده‌اند و باورهای مذهبی قوی تری دارند کمتر احتمال دارد که مرتکب رفتارهای خلافکارانه شوند.

رویکرد انتخاب عقلانی: رویکرد انتخاب عقلانی یک اصل محوری دارد و آن این است که رفتار آدمیان هدفدار و سنجیده است. آدمیان در چندراهی، راهی را اختیار می‌کنند که موافق با غرایزشان است. برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند؛ بنابراین رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینشی عقلانی و فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد؛ به علاوه در این رویکرد اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد جامعه به یکسان وجود دارد.

هر یک از افراد جامعه به مقتضای غریزه سودجویی خود کوشش می‌کند تا سرحد توانایی از چیزهایی که به نفع خود میداند برخوردار شود و با هزینه کمتر مفاد بیشتر به دست آورد؛ اما براساس این تیوری در نظر داشت ورود عقلانیت به زنده گی انسان‌ها، تأثیر دین از بین نرفته است و افراد در

اغلب موارد مرتکب فساد نمی شوند؛ چنانچه پیتر بلاو نیز بر این باور است از آنجا که دین کارکردهای اجتماعی ضروری در جامعه را بر عهده دارد همواره در کانون اشتغالات فرهنگی ما جای خواهد گرفت و با وجود عقلگرایی و مبنای علمی و تکنولوژیک جامعه نوین، دین خصلت متعالی اش را از دست نخواهد داد.

نظریه دینی دورکیم: طبق نظریه دینی دورکیم در اکثر جوامع، ضمانت های قانونی رسمی، منبع اولیه کنترل اجتماعی نیستند؛ بلکه قواعد اخلاقی که دین وضع می کند، تضادها و تنش ها را تخفیف می دهد، عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می کند و رعایت این هنجارها و منافع جمع را بالاتر از منافع صرفاً خصوصی قرار می دهد.

دینداری از طریق ایجاد وجدان جمعی و یا همان حس مسئولیت اجتماعی به سلامت جامعه منجر می شود. دینداری از طریق محکم کردن پیوندهایی که فرد را به جامعه متصل می کند فرد را وادار به رعایت هنجارهای گروهی می کند و از این طریق نفع جمعی را بالاتر از نفع خصوصی قرار می دهد و فرد دیندار در اینجا نفع جمع را به نفع خود ترجیح خواهد داد؛ اما در صورت کاهش دینداری و یا تحول ارزشها زمینه رشد انحرافات اجتماعی مساعد می شود و فرد به جمع، نفع جمعی، آرمانها و هنجارهای جمعی ارزشی قایل نیست. چنین نتیجه می گیریم که فرد از طریق مشارکت در مراسم و تشریفات دینی که فرد را با جمع پیوند می دهد حس مسئولیت و تعلق او به جامعه افزایش پیدا می کند و کمتر مرتکب فساد اداری خواهد شد و بالعکس کاهش دینداری زمینه یی نه تنها فساد اداری، بلکه انواع فساد را در جامعه به وجود خواهد آورد.

دیدگاه عرفی شدن: دین همواره به عنوان حافظ مقررات و نوامیس و نظم اخلاقی جامعه یاد شده است و انسان را در فراز و نشیب های آشفته کننده اجتماعی و وقایع شکننده زنده گی یاری کرده است؛ اما در عین حال انسان ممکن است در چنین موقعیتهایی به دنبال راه حل ها و پاسخ های غیر دینی نیز باشد؛ مثلاً زمانی که رگه هایی از خصوصی گرایی، تکثر گرایی و گزینش گری در دینداری افراد به وجود آمد افراد خصوصاً در مواردی که علم حرف بیشتری برای گفتن داشته باشد کمتر به آموزه های دینی مراجعه می کنند.

در جوامع غربی که سابقه طولانی در سکولار شدن جامعه دارند و به مرور ارزش های دینی در آن جوامع کمرنگ شده است؛ عامل اصلی همبسته گی اجتماعی روابط شهروندی است؛ مؤلفه یی که

باعث حفظ جامعه میشود و نوعی انسجام اجتماعی را به وجود می آورد.

طبق این دیدگاه دین در نظام شهروندی حاشیه نشین شده است و حضور نهاد مذهب در تعاملات و روابط اجتماعی حذف شده است و دیگر توانایی انسجام دادن به اجتماع را ندارد و باید جای خود را به عوامل جانشین بدهد. دین دیگر تأثیری در کنترل فساد به عنوان رفتار انحرافی ندارد و احترام به قانون، انضباط اجتماعی، رعایت حقوق سایر شهروندان و رویه های قانونی می توانند عاملی تأثیر گذارتر بر کنترل فساد باشند.

فرضیه ها

بین بعد اعتقادی دینداری و گرایش و اقدام به فساد اداری رابطه معکوس وجود دارد. مشارکت در مناسک جمعی مذهبی سطح پایین تری از گرایش و اقدام به فساد اداری را به ارمغان می آورد.

بین دینداری یا تعهد دینی و گرایش و اقدام به فساد اداری رابطه معکوس وجود دارد.

بین بعد خصوصی گرایی در دین و گرایش و اقدام به فساد اداری رابطه مستقیم وجود دارد.

بین بعد برخورد گزینشی در دین و گرایش و اقدام به فساد اداری رابطه مستقیم وجود دارد.

بین بعد تکثر گرایی در دین و گرایش و اقدام به فساد اداری رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

از آنجا که روش کمی مناسب ترین شیوه در جهت جمع آوری اطلاعات جنبه پنهانگر و همچنین قابل مقایسه و مناسب برای تحلیل آماری بوده است؛ در این تحقیق نیز از روش کمی - پیمایشی استفاده شده است و در ضمن برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین از روش کتابخانه ای نیز بهره گرفته شده است.

جامعه آماری ما را تمام کارمندان اداری در ارگانهای دولتی شهر هرات در سال (۹۴-۹۳) که حدوداً (۸۰۸۰ تن) می باشند تشکیل می دهد. با توجه به جامعه آماری پژوهش، از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه های تمامی کارمندان وجود نداشت از شیوه «نمونه گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و براساس آن تعدادی از افراد (۳۶۳ تن) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند با استفاده از فرمول پیش برآورد حجم نمونه کوکران و سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده اند که در میان ۱۲

ارگان دولتی (ریاست‌های معارف، کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، زراعت و مالرداری، عدلیه، شاروالی، اطلاعات و فرهنگ، صحت عامه، ارشاد، حج و اوقاف، نماینده‌گی وزارت امور خارجه، محکمه، صنایع و معادن، نفت و گاز، دانشگاه هرات) به صورت انتخابی از میان ۷۲ ریاست و آمریت دولتی با روش نمونه‌گیری خوشه‌یی سهمیه‌یی تصادفی ساده توزیع شده است.

ابزار مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه است. به منظور تطبیق پرسشنامه بر مبنای دیدگاه‌نظری تحقیق و انتخاب بهترین گویه‌ها، پرسشنامه مورد آزمون‌های ابتدایی قرار گرفته است. پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌یی (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) تنظیم شده است.

در این تحقیق با توجه به سطح تحقیق و سطح سنجش متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق، با استفاده از تکنیک مناسب و رعایت اصل احتیاط در پژوهش‌های دینی به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. لذا توصیف و تحلیل داده‌ها براساس روش‌های آماری توصیفی (جدول فراوانی و نمودارها برای سوالات اولیه) و آمار استنباطی (آلفای کرانباخ، آزمون همبسته‌گی و آزمون پیرسون) از طریق نرم افزار spss صورت گرفته است.

تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

از جایی که هدف اصلی این تحقیق پیدا نمودن رابطه بین دو متغیر درجه دینداری افراد و گرایش‌شان به فساد اداری است، داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری همبسته‌گی پیرسون که برای تحلیل رابطه بین متغیرهای کمی و فاصله‌یی طراحی شده مورد تحلیل قرار گرفته است. جدول زیر نشان‌دهنده شدت همبسته‌گی و سطح معناداری رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و گرایش به فساد اداری در آزمون پیرسون است.

جدول ۱: آزمون همبسته‌گی میان ابعاد دینداری و گرایش به فساد اداری

پیرسون	شدت همبستگی	سطح معناداری بین دو دامنه
اعتقادات دینی-گرایش به فساد اداری	0.085	0.053
مناسک دینی-گرایش به فساد اداری	-0.052	0.161
تعهد دینی-گرایش به فساد اداری	-0.279**	0.000
گزینش‌گری دینی-گرایش به فساد اداری	0.198**	0.000
خصوصی‌گرایی دینی-گرایش به فساد اداری	0.336**	0.000
تکثر‌گرایی دینی-گرایش به فساد اداری	0.158**	0.001

فرضیه اول نشان دهنده تأثیر اعتقادات دینی بر گرایش به فساد اداری است که طبق نظریه پیوند فرضیه اول نشان دهنده تأثیر اعتقادات دینی بر گرایش به فساد اداری است که طبق نظریه اجتماعی هیرشی افرادی که به نهادهای مذهبی پیوند خورده‌اند و باورهای مذهبی قوی‌تری دارند کمتر احتمال دارد که مرتکب رفتارهای خلافکارانه شوند؛ اما نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان اعتقادات دینی و گرایش به فساد اداری در میان کارمندان ادارات دولتی شهر هرات همبسته‌گی معنادار و مستقیم وجود دارد (Pearson Correlation = 0.085, sig = 0.053). به این معنی که بالا رفتن سطح اعتقادات دینی باعث کاهش در گرایش به فساد اداری نشده است. لذا این فرضیه رد شد.

فرضیه دوم نشان دهنده تأثیر مناسک دینی بر گرایش به فساد اداری است. طبق نظریه دینی دورکیم و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی اعتقادات دینی از طریق واسطه‌هایی چون مشارکت‌های دینی تقویت می‌شوند که موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی در افراد و درک و ضرورت رعایت هنجارها و قوانین اجتماعی می‌شود و این میتواند انگیزه فساد را در افراد کاهش دهد و نتایج حاصل از ضریب همبسته‌گی پیرسون نیز نشان می‌دهد که میان اجرای مناسک دینی و گرایش به فساد اداری در میان کارمندان ادارات دولتی شهر هرات همبسته‌گی معنادار و معکوس وجود دارد (Pearson Correlation = -0.052, sig = 0.161)؛ به این معنی که افزایش سطح اجرای مناسک دینی تا حدی باعث کاهش در گرایش به فساد اداری میشود؛ اما از آنجا که درجه همبسته‌گی بیشتر از ۰.۰۵ است این نتیجه فقط به جمعیت نمونه قابل تطبیق است و قابلیت تعمیم‌دهی به جامعه آماری را ندارد؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه سوم نشان دهنده تأثیر تعهد دینی بر میزان گرایش به فساد اداری است. طبق نظریه دینی دورکیم دینداری از طریق ایجاد وجدان جمعی و یا همان حس مسؤولیت اجتماعی به سلامت جامعه منجر می‌شود. دینداری از طریق محکم کردن پیوندهایی که فرد را به جامعه متصل میکند فرد را وادار به رعایت هنجارهای گروهی می‌کند و از این طریق نفع جمعی را بالاتر از نفع خصوصی قرار می‌دهد و فرد دیندار در اینجا نفع جمع را به نفع خود ترجیح خواهد داد؛ اما در صورت کاهش دینداری و یا تحول ارزش‌ها زمینه رشد انحرافات اجتماعی مساعد می‌شود و فرد به جمع، نفع جمعی، آرمان‌ها و هنجارهای جمعی ارزشی قایل نیست. نتایج حاصل از ضریب همبسته‌گی پیرسون نشان می‌دهد که

میان تعهد دینی و گرایش به فساد اداری در میان کارمندان ادارات دولتی شهر هرات همبسته‌گی معنادار و معکوس وجود دارد ($Pearson\ Correlation = -0.279, sig = 0.000$)؛ به این معنی که افزایش سطح تعهد دینی تا حدی باعث کاهش در گرایش به فساد اداری می‌شود. به این ترتیب با ۹۹ درصد درجه اطمینان می‌توان گفت فرضیه ما قابل تأیید است.

فرضیه چهارم نشان‌دهنده تأثیر گزینش‌گری دینی بر گرایش به فساد اداری است. طبق نظریه عرفی شدن در جوامع مدرن فرد توانایی تشخیص خیر و شر را در خود می‌بیند یا همان خودمختاری شخصی که مشخصه دین مدرن است. افراد کمتر آموزه‌های دینی را بدون پرسش می‌پذیرند و آن‌ها را مورد سوال قرار می‌دهد و گرایش آن‌ها به دین سنتی و مرجعیت روحانیت کاهش می‌یابد و دین دیگر توانایی انسجام اجتماعی و کنترل انحرافات را ندارد. حاصل از ضریب همبسته‌گی پیرسون نشان می‌دهد که میان گزینش‌گری دینی و گرایش به فساد اداری در میان کارمندان ادارات دولتی شهر هرات همبسته‌گی معنادار و مستقیم وجود دارد ($Pearson\ Correlation = 0.198, sig = 0.000$)؛ به این معنی که افزایش سطح گزینش‌گری دینی تا حدی باعث افزایش گرایش به فساد اداری می‌شود. لذا فرضیه فوق با ۹۹ درصد اطمینان در این تحقیق تأیید شد.

فرضیه پنجم نشان‌دهنده تأثیر خصوصی‌گرایی دینی بر گرایش به فساد اداری است. طبق نظریه عرفی شدن با افزایش مدرنیته دین گام به گام از عرصه عمومی جامعه رخت بر می‌بندد و در عرصه عمومی جامعه کمتر مطرح می‌شود، در این وضعیت دین نه تنها دیگر قادر به یک پارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه نیست؛ بلکه از یک پارچه کردن تجربیات افراد به ویژه آن دسته از تجربیات افراد که در ارتباط با عرصه عمومی جامعه است باز می‌ماند. با این حال دین هم چنان جایگاه مهم خود را در زنده‌گی خصوصی افراد حفظ می‌کند. نتایج حاصل از ضریب همبسته‌گی پیرسون نشان می‌دهد که میان خصوصی‌گرایی دینی و گرایش به فساد اداری در میان کارمندان ادارات دولتی شهر هرات همبسته‌گی معنادار و مستقیم وجود دارد ($Pearson\ Correlation = 0.366, sig = 0.000$)؛ به این معنی که افزایش سطح خصوصی‌گرایی دینی تا حدی باعث افزایش گرایش به فساد اداری می‌شود. این فرضیه نیز با سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه ششم نشان‌دهنده تأثیر تکثرگرایی دینی بر گرایش به فساد اداری است. در نظریه دینی دورکیم باور بر این بود که رعایت هنجارها و قوانین اجتماعی از طریق دین تحکیم می‌شود و انگیزه

فساد را در فرد کاهش می‌دهد؛ اما طبق نظریه عرفی شدن و انتخاب عقلانی در جوامع مدرن فرد با دنیایی از ارزش‌ها مقابل است که وفاداری به هیچ کدام شان را تضمین نمی‌کند. زمانی که وفاداری به هنجارها و قوانین با تزلزل مواجه شد و یک هنجار توانایی سوددهی به افراد را نداشته باشند، انگیزه فساد در فرد افزایش پیدا می‌کند. نتایج حاصل از ضریب همبسته‌گی پیرسون نشان می‌دهد که میان تکثرگرایی دینی و گرایش به فساد اداری در میان کارمندان ادارات دولتی شهر هرات همبسته‌گی معنادار و مستقیم وجود دارد ($\text{Pearson Correlation} = 0.158, \text{sig} = 0.001$)؛ به این معنی که افزایش سطح تکثرگرایی دینی تا حدی باعث افزایش گرایش به فساد اداری می‌شود. در این صورت فرضیه که تکثرگرایی دینی باعث افزایش گرایش به فساد اداری می‌شود در سطح ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

فساد عارضه‌ی است چند بعدی، که تبعات منفی آن سنگین و غیر قابل جبران می‌باشد. در پیدایش این پدیده شوم عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ارزشی نقش دارند؛ بنابراین در راه مبارزه با آن، توجه به تمام ابعاد اجتناب‌ناپذیر است. یکی از عوامل مهم که اکثر مورد غفلت قرار گرفته و می‌گیرد توجه به عقاید و ارزش‌های مذهبی است. در جامعه‌ی مانند هرات که عقاید دینی تا حد زیادی وظیفه کنترل اجتماعی را به عهده گرفته است، همواره فتوای دینی بر ضد فساد اداری از طرف علما تبلیغ می‌شود؛ اما با آنهم گاهی این کنترل اجتماعی ضعیف می‌شود و زمینه برای رفتارهای انحرافی چون فساد اداری باز می‌شود. در این تحقیق سعی شد به بررسی تأثیر دینداری بر گرایش به فساد اداری پرداخته شود.

به صورت کل این تحقیق نشان داد که میان دینداری و ابعاد آن و گرایش و اقدام به فساد اداری رابطه وجود دارد. تأثیر ابعاد مناسک دینی و تعهد دینی کاهش دهنده و تأثیر ابعاد اعتقادات دینی، گزینش‌گری، خصوصی‌گرایی و تکثرگرایی دینی بر گرایش به فساد اداری افزایش دهنده است. لذا برای ایجاد جو سالم و همچنین بهبود وضعیت روابط میان کارمندان و ارباب رجوع توجه به ارزش‌های دینی کارمندان از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است؛ بدین منظور پیشنهادات زیر مفید مینماید تا شاهد کاهش فساد اداری نه تنها در شهر هرات، بلکه در سایر جوامع باشیم:

پیشنهادهات

پیشنهادهات کاربردی

بعضی از صاحب نظران علوم دینی مهمترین عوامل فساد اداری را به خود اشخاص ربط می دهند؛ یعنی عامل اصلی و اساسی که افراد را به فساد میکشاند تمایل افراد به فساد است؛ بنابراین بسیاری از راهکارهای پیشگیری از فساد اداری بر افراد توجه دارد.

۱. نهادینه کردن فرهنگ خود کنترولی (تقوا و پرهیزگاری)؛

۲. توجه به حضور خداوند در هستی؛

۳. توجه به ارزش ها و کرامت انسانی؛

۴. تقویت بنیان های مذهبی و اعتقادی کارمندان؛

با اینکه این راهکارها برای کاهش فساد اداری مهم اند؛ اما آن ها را نمی توان برای مبارزه با فساد اداری کافی دانست. راهکارهای زیر از مهمترین راهکارهایی است که به همراه راهکارهایی که قبلاً ذکر شد می توانند نقش مهمی در مبارزه با فساد اداری داشته باشند:

۱. بهبود تقویت فرهنگ کنترول و نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر)؛

۲. آگاه نمودن مردم از قوانین اداری؛

۳. ایجاد شفافیت در فرایندهای کاری از طریق بازنگری روش های انجام کار به منظور کاستن از قدرت مقامات عالی رتبه در ادارات؛

۴. شایسته سالاری در عزل و نصب؛

۵. توجه به معیشت کارمندان و کاهش حس بی عدالتی؛

۶. احیای حس مسئولیت اجتماعی، وظیفه شناسی و وجدان کاری؛

۷. برگزاری دوره های آموزش در مورد حفظ رعایت کرامت انسانی در برخورد با ارباب رجوع؛

پیشنهادهات راهبردی

انجام هر تحقیق و پژوهشی منجر به نتایج و یافته هایی میگردد که زمینه بهبود پژوهش را فراهم آورده و شرایط شناخت عوامل و زمینه های تحقیقی دیگری را فراهم می آورد. این تحقیق نیز با بررسی ابعاد دینداری بر گرایش به فساد اداری در میان کارمندان دولتی نتایجی را ارائه نموده که در راستای همین تحقیق پیشنهادهات زیر جهت انجام پژوهش های بعدی توسط محققین آتی ارائه می گردد:

۱. بررسی تأثیر بعد اعتقادی دین بر گرایش به فساد اداری؛ زیرا در این تحقیق فرضیه که گمان میرفت اعتقادات دینی بر گرایش به فساد اداری تأثیر کاهش دهنده داشته باشد، رد شد.
۲. انجام تحقیق با موضوع مشابه به روش کیفی؛
۳. انجام تحقیق با موضوع مشابه با استفاده از داده‌های اسنادی؛
۴. بررسی تأثیر دینداری بر سایر انحرافات اجتماعی؛

منابع

۱. شیخ‌احمدی، عبدالبصیر. (۱۳۹۳). **اسلام و مبارزه با فساد اداری**. کابل: توانا.
۲. حسنی، علی؛ شمس، عبدالحمید. (۱۳۹۱). **راهکارهای مبارزه با فساد اداری براساس ارزش‌های اسلامی**. کابل: اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال دوم.
۳. سولووان، جان و شیکولنیکوف، الکساندرا. (۱۳۸۳). **بهای فساد اداری**. نشریه الکترونیکی ایالات متحده، مسایل مربوط به دموکراسی. تغییر فرهنگ و فساد اداری. جلد ۱۱. شماره ۱۲. لینک مرکز تصدی خصوصی لینک <http://usinfo.state.gov/pub/ejournalusa.html>
۴. توسلی، غلامعباس؛ مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). **بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان**. جامعه‌شناسی ایران، ش ۴.
۵. جوادی‌یگانه، محمدرضا؛ هاشمی، سیدضیا. (۱۳۸۴). **تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دو راهی اجتماعی) و عوامل مؤثر بر آن**. تهران: نامه علوم اجتماعی، ش ۲۶.
۶. کاظمی‌وریج، عباس؛ فرجی، مهدی. (۱۳۸۲). **عرفی‌شدن و زندگی روزمره**. تهران: نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱.
۷. حیدری، حسین و دیگران. (۱۳۹۲). **دگرگونی یا ایستایی پارادایم‌های جامعه‌شناسی دین از آغاز تا کنون**. تهران: دین، شماره ۱۹۰.
۸. سراج‌زاده، حسین؛ پویافر، محمدرضا. (۱۳۹۱). **مطالعه عرفی‌شدن در میان ایرانیان مسلمان؛ مقایسه بین نسلی در تهران بزرگ**. تهران: مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴.
۹. طالب، مهدی. (۱۳۹۰). **شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق کمی و کیفی)**. تهران: دانشگاه تهران.